

تحلیل ماهیت پول*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۳ تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۴/۴

محمداسماعیل توسلی**

چکیده

در تاریخ تکاملی، پول به مرحله‌ای رسید که بعد از طلا و نقره استقلال پیدا کرد و در ادامه با پیشرفت فناوری به نسخه الکترونیکی و دیجیتالی اسکناس و سکه تبدیل شد؛ بنابراین پرسش اساسی پیش آمد که پول کنونی از حیث ماهیت و حقیقت چیست؟

روش تحقیق پیش‌رو توصیفی، تحلیلی و استنباطی است و فرضیه اساسی آن این است که «پول‌های کنونی همه مراتبش با اعتبار پدید آمده است». موجود غیرفیزیکی و تازه‌ای است که قانون ابتدا ذات آن را با اعتبار پدید می‌آورد، آنگاه ارزش مبادله‌ای اولیه معینی را برایش تعریف می‌کند سپس آن را پول در گردش قرار داده و منتشر می‌کند؛ از این‌رو عنوان این تحلیل را «مال اعتباری» در نظر گرفتیم. به خلاف نظریه مالیت اعتباری که در ماهیت آن فقط مالیت را می‌بیند و به خلاف نظریه ارزش اسمی که ذات مالی در نظر می‌گیرد اما حقیقت این ذات مبهم است. نظریه مال اعتباری ضمن پوشش نظریه‌های دیگر از ایرادهای وارد بر آنها مبرا است. این نظریه با تفکیک و نمایاندن ذات مال و وصف مالیت در پول کنونی می‌تواند عواملی را که باعث نقص در ذات این مال می‌شوند و چگونگی این نقص و ضمان و جبران محدود کاهش ارزش پول و نیز عوامل نقص در مالیت را به خوبی نشان دهد.

واژگان کلیدی: ماهیت پول، مال اعتباری، مالیت اعتباری، ارزش اسمی، نظریه فلزی، نظریه چارتالیزم.

طبقه‌بندی JEL: E49.

* مقاله پیش‌رو از رساله دکترای نویسنده با عنوان «تحلیل ماهیت پول و اثر آن بر منضبط‌کردن حقوقی سیاست‌های پولی (در اقتصاد اسلامی)» به راهنمایی آقایان دکتر اکبر کمیجانی و دکتر سیده‌هادی عربی مستخرج است.

Email: esmailtavassol@yahoo.com.

** عضو هیئت علمی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.

مقدمه

هنگامی که از چیستی پول می‌پرسیم، مقصود ما چیستی و ماهیت چیزی است که هم‌اکنون وظایف پول را انجام می‌دهد. به عبارت دیگر، از ماهیت مصداق پول می‌پرسیم و از آنجا که تصور کامل و جامعی از حقیقت این وجود خارجی که هم‌اکنون پول است نداریم، لزوم تحلیل درباره ماهیت آن آشکار می‌شود؛ البته تا هنگامی که پول به شکل سکه‌های طلا و نقره در جریان بود، ماهیت فلزی آن برای همگان قابل تشخیص بود و سکه‌شناس و صراف می‌توانست مقدار عیار طلا و نقره سکه‌ها را تشخیص دهد اما در تاریخ تکاملی پول به دوره‌ای می‌رسیم که دولت‌ها به علت تأمین هزینه‌های نظامی و تأمین مالی کسر بودجه، راحت‌ترین راه برای کسب درآمد را در استفاده از انتشار پول اضافی به صورت اسکناس بدون تضمین پرداخت طلا و نقره آن دیدند (فریدمن، ۱۳۷۵، ص ۲۹). آنها به تدریج فهمیدند به علت ویژگی خاص پول می‌توانند قابلیت تبدیل را کاهش داده و سرانجام قطع کنند و هیچ مشکلی در امر پولی پیش نیاید. این امر به این امر انجامید که اسکناس تا پیش از این، فقط رسید طلا و نقره بود و در حقیقت رسید پول بود خود به طور مستقل پول شود و عرف نگرش استقلالی به آن داشته باشد. پس از این بود که پرسش‌هایی اساسی ذیل درباره ماهیت این پول مطرح شد:

۱. آیا اسکناس اصالت پیدا کرده و خود پول است؟
 ۲. ارزش این اسکناس از کجا می‌آید؟
 ۳. اگر واحد ارزش در کشوری مقدار معینی طلا یا نقره که به شکل مسکوک جریان دارد، نباشد؛ پس واحد ارزش چیست؟
 ۴. هنگامی که گفته می‌شود فلان کالا ۱۰۰۰ ریال ارزش دارد، چه چیزی معرف هر یک از این ریال‌ها است؟
- پرسش‌ها به اینجا خاتمه نیافت بلکه با آمدن پول الکترونیکی که ماده فیزیکی محض و حتی کاغذ بی‌ارزش اسکناس را هم ندارد، پرسش‌های دیگری بر آن افزوده شد، مانند:
۵. چرا و چگونه کالاها می‌توانند با اعداد و ارقام جایگزین شوند؟
 ۶. چرا ماهیت پول دیگر فیزیکی نیست؟

این امر باعث ابهام در حقیقت و چیستی پول کنونی شده و پرسش‌های متعددی را در برابر فقیهان قرار داده است. برخی از این پرسش‌ها به شرح ذیل است:

۱. آیا جبران کاهش ارزش پول در حساب‌های بانکی، قرض، مهریه، غصب، حبس و ... ربا است؟

۲. آیا بانک مرکزی و دولت به هر شکلی که خواست می‌تواند از حق انتشار پول استفاده کند؟

۳. آیا پولی کردن کسر بودجه محدودیت شرعی دارد و دولت ضامن است؟

و پرسش‌هایی از این قبیل که فقط با مشخص شدن ماهیت و چیستی پولی کنونی می‌توان برای آنها پاسخی یافت. در مقاله پیش‌رو کوشش می‌شود با تحلیل جامع ماهیت پول فقط به پرسش‌های ۱-۶ که به‌طور مستقیم با ماهیت پول کنونی مرتبط هستند، پاسخ داده شود. پاسخ به پرسش درباره ماهیت پول نه‌تنها برای اقتصاد اسلامی مهم و مبنایی است بلکه برای علم اقتصاد هم مهم و اساسی است. *راسی* (Rossi, 2000, p.9) در اهمیت شناخت ماهیت پول می‌گوید که پرسش‌های اصلی و عمده‌ای امروزه همچنان مورد بحث و منازعه است. به ریشه‌های ماهیت پول در اقتصاد مدرن می‌رسد. آنها با تأکید خاص و ویژه‌ای می‌پرسند: پول چیست؟ ارزش پول از کجا می‌آید؟ پول چگونه پدید می‌آید؟ به باور *راسی* برای پاسخ به این پرسش‌ها و بسیاری از پرسش‌های دیگر ابتدا باید از گیر ماهیت پول خارج شد و آن را باز کرد. به‌رغم سادگی پول در ظاهر، در حقیقت پرسشی به‌شدت پیچیده است. بیان شومپیتر شدت این پیچیدگی را به خوبی روشن می‌کند. وی می‌گوید: «اشاره با دقت به دیدگاه‌های گوناگون درباره پول به سختی شناساندن ابرهای تیره‌وتار در حال حرکت است» (Schumpeter, 1994, p.289).

در سختی پاسخ به این پرسش همین بس که کینز برای شناخت پول و آثارش به مدت پنج یا شش سال در دهه ۱۹۲۰ به مطالعه علم اوزان و مقادیر و دانش سکه‌شناسی پرداخت تا بتواند به خاستگاه تاریخی و منطقی پول در تمدن‌های باستانی شرق نزدیک دست پیدا کند. این کار کینز همان‌گونه که خود اشاره دارد به «جنون بابلی» (Babylonian Madness) مشهور شده است. به گفته *انگهام* (Ingham, 2000, p.16) کینز گاه‌گاهی به این می‌اندیشید که این مطالعه‌اش به‌طور کامل بیهوده و بی‌فایده است اما با این وجود تا حد

جنون در این مطالعه غرق می‌شد. به باور اینگهام، این روش تحقیق نسبت به روش‌های دیگر فهم بهتری از پول به ما داده است. با تمام این کوشش‌ها، بوفینگر (Bofinger, 2001, p.3) باور دارد به‌رغم گذشت ۲۰۰ سال از عمر اقتصاد پولی در حقیقت اغراق نیست که ادعا کنیم، تعریف پول و شناخت آن همچنان به‌عنوان مسئله‌ای حل‌نشده باقی مانده است. این که اندیشه‌وران اقتصادی غرب با این جدیت به دنبال نظریه‌پردازی درباره ماهیت پول و شناخت آن هستند، یکی از علل مهم آن به جهت آثار و نتیجه‌هایی است که شیوه اجرای سیاست‌های پولی بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند اشتغال و سطح عمومی قیمت‌ها بر جا می‌گذارد.

در رویکرد اصلی پژوهش پیش‌رو «پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می‌گیرد مراتبی از اعتبار دارد». فرضیه اساسی تحقیق درباره پول‌های کنونی این است که «پول‌های کنونی همه مراتب اعتباری است». روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و استنباطی است.

ادبیات موضوع

در پاسخ به پرسش درباره چیستی پول‌های کنونی نظریه‌پردازی‌های متعدد و متفاوتی در بین اندیشه‌وران غربی و اسلامی پدید آمد. در اینجا به شرح و نقد اجمالی آن نظریه‌ها تحت عناوین جامع نظریه فلزی، نظریه چارتالیزم، نظریه مالیت اعتباری و نظریه ارزش اسمی و ضرورت ارائه تحلیل جدید خواهیم پرداخت.

الف) نظریه فلزی (Metalism Theory)

در بین اندیشه‌وران غربی دو نظریه اصلی درباره ماهیت پول مطرح است. نظریه فلزی یا نظریه پول کالایی که در آن پول یک کالا است که اغلب به شکل فلز گران‌قیمت در جریان بوده است (Menger, 1892, p.242) و دیگری نظریه چارتالیزم (Chartalism Theory) است که در آن پول بدون پشتوانه دولتی (Money Fiat) بدون ارتباط با هیچ کالایی فقط برای تصفیه تعهدهای دولتی پدید و منتشر می‌شود (Ingham, 2004, p.12).

متالیزم‌ها در پاسخ به پرسشی درباره منبع ارزش پول بیان داشته‌اند که ارزش پول به ارزش کالایی که به‌عنوان وسیله مبادله به‌کار می‌رود، بر می‌گردد. اگر این پول سکه طلا و

نقره باشد ارزش آن به ارزش طلا و نقره در بازار بستگی دارد و اگر این پول به صورت اسکناس در جریان باشد ارزش آن به ارزش ذاتی فلز پشتوانه وابسته است؛ البته تا زمانی که پول کاغذی قابل تبدیل به فلز پشتوانه بود، این تحلیل‌ها مشکلی نداشت؛ اما از زمانی که پول در قالب اسکناس بدون پشتوانه ظاهر شد و سرانجام به پول الکترونیکی دیجیتالی کنونی رسید، اقتصاددانان نئوکلاسیک نتوانستند به طور تحلیلی توضیح دهند، چرا و چگونه کالاها می‌توانند با کاغذ بی‌پشتوانه و اعداد و ارقام جایگزین شوند و چرا ماهیت پول دیگر فیزیکی نیست و چرا و چگونه ارزش پول تحت قدرت منتشرکننده آن است نه تحت ارزش ذاتی ماده‌ای که از آن ساخته می‌شود (Rossi, 2007, p.13).

ب) نظریه چارتالیسم (Chartalism Theory)

اصطلاح چارتالیسم از ریشه «Charta» در لاتین گرفته شده است که به معنای دلالتی یا قراردادی (Token) و بلیط (Ticket) آمده است (Knapp, 1924, p.32). اساس این نظریه آن است که پول رابطه اجتماعی مستقل از هر ماده‌ای است که پول در قالب آن نمود پیدا می‌کند. در این نظریه پول یک مطالبه (Claim)، اعتبار و بستانکاری (Credit) یا وعده پرداخت (to pay promise) می‌باشد که به وسیله ارتباطات اجتماعی تأسیس شده است (Ingham, 2004, p.12). در نظر کینز (Keynes, 1930, p.6) پول، واحد محاسبه است که از کنشی سیاسی سرچشمه گرفته و به وسیله قانون یا پیمان و قرارداد اجتماعی تأسیس شده است. به باور وی هدف مردم ممکن است تصفیه تعهدات بدهی‌شان باشد. در این دیدگاه پول به طور تاریخی به عنوان واحد محاسبه شکل گرفته و مقدم بر مبادله‌های بازار است.

چارتالیسم، استاندارد پولی است که در آن پول امری دولتی منتشر شده به عنوان واحد پولی استفاده می‌شود. در این سامانه پول بدون پشتوانه دولتی به وسیله دولت برای پوشش هزینه‌هایش پدید آمده و منتشر می‌شود. در این دیدگاه تقاضا برای نگهداری و اندوختن این پول به وضع مالیات به وسیله دولت بر می‌گردد؛ زیرا مالیات را می‌توان با این پول بدون پشتوانه پرداخت کرد. به باور آنان این مالیات است که به پول ارزش می‌دهد ((Taxes Gives Money its Value (TGMV)). آنان در این اندیشه افراطی تا

آنجا پیش رفتند که مدعی شدند، پول از زمانی که تمدن آغاز شد ارزش خودش را از مالیات گرفته است (Mosler, 2010, p.5).

ماسگریو (Masgrave, 2009) نقدهای مستدلی بر نظریه چارتالیست‌ها وارد کرده است. وی می‌گوید این دیدگاه افراطی که هر پولی از زمان آغاز تمدن ارزشش را از مالیات گرفته، گزاره‌گویی بزرگ درباره نقشی است که مالیات بازی می‌کند؛ زیرا اولاً، تقاضای دولت مبنی بر اینکه مالیات باید به صورت کالای خاص پرداخت شود، ضرورتاً آن کالا را پول رایج نمی‌کند؛ ثانیاً، لازم نیست مالیات به صورت «Money fiat» پرداخت شود؛ ثالثاً، بانک‌های خصوصی هم می‌توانند پول بدون پشتوانه منتشر کنند.

اصلی‌ترین نقد بر آنان این است که پاسخ اثباتی و حلی درباره ماهیت پول کنونی ندادند. برخی از گزاره‌هایی که درباره پول‌های کنونی ابراز کردند، حقایق پیرامونی درباره آثار وجودی آن است. اینکه پول پدیده‌ای اجتماعی بوده و به وسیله پیمان و قرارداد اجتماعی تأسیس شده است، اینکه ماهیت و ذات پولی پول رایج تحت قدرت منتشرکننده آن باقی می‌ماند نه تحت ارزش ذاتی ماده‌ای که از آن ساخته می‌شود یا اینکه دولت توانایی خلق پول را فقط با حرکت دادن یک قلم دارد، همه اینها حقیقتی از حقایق وجودی پول کنونی است اما درباره چیستی پول کنونی که چرا و چگونه می‌تواند چنین ویژگی‌ها و آثاری داشته باشد، نتوانستند چیزی بگویند و پاسخ صریحی بدهند؛ بنابراین نظریه‌شان از این حیث رضایت‌بخش نیست.

ج) نظریه مالیت اعتباری (یا نظریه قدرت خرید)

در بین اندیشه‌وران اسلامی دو نظریه اصلی را می‌توان از هم تفکیک کرد: الف) نظریه قدرت خرید؛ ب) نظریه ارزش اسمی. تعداد قابل‌اعتنایی از این اندیشه‌وران با تفاوت اندکی در تعبیرها به نظریه قدرت خرید باور داشته و به تبیین و اثبات آن پرداخته‌اند. نخستین آنها شهید آیت‌الله صدر رحمته‌الله است. وی در کتاب *الاسلام يقود الحياة* درباره پول‌های کاغذی می‌گوید:

پول‌های کاغذی اگرچه مال مثلی است اما مثل آن فقط همان کاغذ نیست؛ بلکه هر چیزی است که قیمت حقیقی آن را مجسم و بیان می‌کند؛ از این رو، اگر بانک هنگام بازپرداخت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران قیمت حقیقی آنچه که دریافت کرده است، پرداخت کند. مرتکب

ربا نشده است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۴۷).

وی در ادامه مطلب می‌گوید: «قیمت حقیقی براساس طلا و ارز طلا اندازه‌گیری می‌شود (همان)». از این کلام شهید صدر رحمته‌الله برمی‌آید که وی قیمت حقیقی یا قدرت خرید را جزو ویژگی اصلی و صفت حقیقی و ذاتی پول کاغذی می‌بیند؛ زیرا آن را در مثلث پول دخیل می‌داند و نیز حکم به عدم ارتکاب ربا در هنگام بازپرداخت سپرده به قیمت حقیقی قرینه دیگری است که وی قیمت حقیقی و به تعبیری «قدرت خرید» را جزو ویژگی اصلی و صفت ذاتی و حقیقی پول کاغذی کنونی می‌داند. آیت‌الله بجنوردی تمام حقیقت و هویت اسکناس را قدرت بر خرید می‌داند که به‌وسیله مرجعی معتبر به آن داده شده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ص ۱۱۰). آیت‌الله شاهرودی نیز تمام هستی و اساس پول را ارزش و توان خرید می‌داند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۴، ص ۶۶-۶۸). یوسفی با رویکرد مالیت اعتباری و با تفکیک بین اسکناس و پول تحریری به این نتیجه رسیده که اسکناس، پول فیزیکی دارای ارزش مبادله‌ای عام است و پول تحریری شی‌ای غیرفیزیکی است که خود فی‌نفسه ارزش مبادله‌ای عام دارد (یوسفی، ۱۳۷۷، ص ۱۴-۶۱).

د) نظریه ارزش اسمی

نویسندگان کتاب پول در اقتصاد اسلامی پس از آنکه مالیت پول اعتباری کنونی را از نوع مثلی دانستند، احکام مال مثلی را بر آن بار کردند، آنگاه این پرسش را مطرح کردند که مقوم مثلیت چیست؟ ارزش اسمی است یا قدرت خرید؟ آنان در پاسخ دو باور را مطرح کردند. گروهی که باور دارند مقوم مثلیت «قدرت خرید» است؛ از این‌رو اگر قرض داده شود در صورت کاهش ارزش باید جبران شود و گروهی دیگر که باور دارند مقوم مثلیت همان ارزش اسمی است و نه چیز دیگر و جبران لازم نیست. آنگاه آنان به تقویت دلایل گروه دوم در رد گروه اول پرداختند. از جمله اینکه قدرت خرید از عوارض و حالت‌ها است؛ بنابراین اگر فردی مقداری پول اعتباری قرض کند، عرف نمی‌گوید وی قدرت خرید قرض کرده است و دیگر اینکه اگر قدرت خرید پول، همان قیمت مبادله‌ای واقعی آن باشد؛ پس پول مال مثلی نیست بلکه یک کالای قیمی است. در حالی که هیچ‌یک از فقیهان پول را مال قیمی نمی‌داند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۷۶-۸۰).

به باور آنان پول کنونی، اعتباری است و مقوم مثلث آن همان ارزش اسمی است که روی اسکناس مکتوب است و پول عبارت است از ارزش مبادله‌ای خالص اشیا که ارزش مصرفی آن نیز در همین ارزش مبادله‌ای است. ارزش پول وابسته به اصل ارزش مبادله‌ای است نه مقدار آن و اصل ارزش مبادله‌ای هم از ویژگی‌های نسبی پول است. نویسندگان کتاب پول در اقتصاد اسلامی با گرایش به نظریه ارزش اسمی به این نتیجه رسیدند که قرض دهنده در دوره تورمی، می‌تواند پول‌هایی مانند سکه طلا را که ارزش به نسبت ثابتی دارند برای قرض دادن انتخاب کند. به باور اینها دولت هم حق دارد پول منتشر کند بدون اینکه ضامن کاهش قدرت خرید باشد. از آنجا که این کار با مجموع مصالح نظام سازگار نیست، حق انتشار بی‌قید و شرط پول به دولت داده نمی‌شود اما نظریه ارزش اسمی نیز اجماً رضایت‌بخش نیست؛ زیرا اولاً، ارزش اسمی فقط نشان‌گر تعداد واحدهای پولی مکتوب بر روی اسکناس است. از عنوان «ارزش اسمی» چیزی بیش از این مفهوم نمی‌توان استخراج کرد؛ ثانیاً، ریال، دلار، پوند و ... عنوان‌های مشیر هستند، باید دید مشارالیه اینها چیست، حال آنکه نظریه ارزش اسمی از این حیث به‌طور کامل ساکت است و هیچ تحلیلی از مسأله اینها ارائه نمی‌دهد؛ در نتیجه ماهیت مال در نظریه ارزش اسمی مبهم است.

گرچه هر یک از این رویکردها به بخش‌هایی از حقایق اشاره دارند اما از آنجا که اولاً، مفروضات اساسی این تحلیل‌ها قابل جرح و تعدیل است و ثانیاً، اینها توانایی توضیح تعدادی از حقایق عرفی و شرعی را ندارند (رک به: توسلی، ۱۳۸۴)؛ بنابراین هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها جامع نبوده و به تنهایی رضایت‌بخش نیستند؛ در نتیجه لزوم ارائه تحلیلی جدید درباره ماهیت پول با کفایت بیشتر و جامع‌تر و بیان امتیازهای آن مناسب به نظر می‌رسد.

ارائه تحلیلی جدید از چیستی پول کنونی

با تحلیل تاریخی پول در می‌یابیم که می‌توان سرچشمه رویش تمام پول‌ها را با تحلیل جامع و یکسان توضیح داد سپس به شرح و تحلیل ماهیت هر یک از انواع پول و چرایی و چگونگی آن خواهیم پرداخت. براساس این تحلیل «پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می‌گیرد، هر یک مراتبی از اعتبار دارد». فقط باید مفاد

اعتبار و قرارداد را تحلیل کرد و دید اجتماع یا دولت چگونه و چه مالی را در هر دوره پول اعتبار کرده است. آیا این مال، عین خارجی، دین، منفعت واقعی، حق یا یکی از اینهاست به اعتبار؛ یعنی عین اعتباری، دین اعتباری،^{*} منفعت اعتباری (مانند اعتبار تمبر) یا حق اعتباری (مانند حق تألیف). اعتباری بودن واحد سنجش ارزش و تعیین مقدار ارزش آن روشن است چون با تعریف و اعتبار قانون شکل می‌گیرد اما اعتباری بودن واسطه مبادله قدری تحلیل و دقت نظر می‌خواهد. در همان نظام پول کالایی، اینکه کدام کالا پول باشد را اجتماع و دولت تعیین می‌کرد و این خود صورتی از اعتبار است. در این نظام، پول در مرتبه تعیین نوع کالایی که باید پول شود و در مرتبه تعریف واحد سنجش ارزش اعتباری است اما در مرتبه آنچه که باید واسطه مبادله باشد، ماهیت فیزیکی به صورت سکه مضروب دارد. فرضیه اساسی تحقیق درباره پول‌های کنونی این است که «پول‌های کنونی تمام مراتبشان اعتباری است و با جعل و اعتبار پدید آمده است». با تحلیل قوانین کنونی پول می‌توانیم مشاهده کنیم که در شکل‌گیری پول‌های کنونی با سه مرتبه اعتبار و دو مرحله مالیت و ارزش؛ یعنی ارزش اولیه اعتباری معین و ارزش ثانویه نسبی و طبیعی متغیر روبه‌رو هستیم. با این مقدمه به تحلیل ماهیت هر یک از انواع پول‌ها براساس تقسیم‌بندی شهید صدر^{علیه السلام}^{**} و سرچشمه ارزش آنها می‌پردازیم.

۱. پول‌های تمام عیار معدنی طلا و نقره

در این نوع پول، واحد سنجش ارزش (واحد پول) مقدار خاصی از کالای خاصی است که طلا و نقره باشد و با نام‌هایی مانند دینار، درهم و پوند اعتبار و قرارداد شده است. درهم و دینار در اینجا عنوان‌های مشیر هستند و اشاره به عیار پول که مقدار معینی از طلا و نقره

*. شاید بتوان پول مخلوق بانک را برای دین اعتباری مثال زد که با استفاده از ذخیره جزئی و اعتبار بانک پدید می‌آید.

** شهید صدر^{علیه السلام} در کتاب *البنک اللاربوی فی الاسلام* به مناسبت باب صرف با این مقدمه که احکام صرف در فقه اسلامی با دگرگونی پول از نوعی به نوع دیگر تغییر می‌کند، به بررسی چهار نوع پول و احکام صرف در هر مورد می‌پردازد (صدر، ۱۹۹۴م، ص ۱۴۶-۱۴۹).

است، دارند؛ سپس قانون واسطه مبادله یا پول در گردش را همان طلا و نقره در بُعدها و اندازه‌های گوناگون قرارداد و اعتبار کرده است. ماهیت پول در گردش در این دوره عین خارجی از جنس طلا و نقره به صورت مسکوک فلزی است و مالی دارای ماده فیزیکی از نوع عین حقیقی. زمانی که پول به شکل سکه‌های ضرب شده طلا و نقره در گردش بود، ماهیت فلزی آن را همگان تشخیص می‌دادند. تعیین میزان عیار و خالصی طلا و نقره آن هم بر عهده خبرگان طلاشناس بود. در این نظام که آن را با نام نظام پول فلزی تمام‌عیار می‌شناسیم، ارزش پولی آن از ارزش جنسی اش سرچشمه می‌گرفت. مقدار نسبی ارزش طلا و نقره هم در تجارت تعیین و تثبیت می‌شد؛ اما برای آنکه به‌عنوان معیار قیمت‌ها به کار رود، وزن معینی از آن به‌عنوان واحد اندازه‌گیری تعیین شد. خالص‌ترین شکل آن، نظامی است که یک کشور، واحد پولی اش را برحسب طلا معین می‌کند. معنایش این است که هر سکه طلا، آن مقدار طلا دارد. چنین سکه‌هایی می‌تواند به شمش طلا تبدیل شود و برعکس. بزرگ‌ترین منفعت نظام پایه طلا، ثبات و اطمینانی است که در فعالان اقتصادی و اعتباردهندگان به‌علت عدم امکان انتشار آن مانند پول کاغذی پدید می‌آورد. در این نظام، پول در گردش عبارت است از سکه مضروب تمام‌عیار که به آن پول تمام‌عیار نقد هم گفته می‌شود. یک سکه مضروب در این نظام تمام وظیفه‌های پولی را؛ یعنی واحد سنجش ارزش، وسیله مبادله و وسیله ذخیره ارزش به انجام می‌رساند. تعیین مقدار عیار واحد پول در این نظام به وسیله قانون صورت می‌گیرد. در این نظام، واحد سنجش ارزش و وسیله مبادله بودن هر دو اعتباری و قراردادی است؛ زیرا هر دو را قانون تعریف و معین می‌کند. مقدار ارزش مبادله‌ای یا قدرت خرید این پول به ارزش جنسی یعنی ارزش مبادله‌ای ماده اولیه آن برمی‌گردد که ذاتی و حقیقی است. مثلی بودن و موزون بودن پول در این نظام واضح و روشن است. این پول با این جنس فلزی اش موضوع تمام احکام فقهی و حقوقی اسلام است و تمام آیه‌ها و روایت‌هایی که در آنها مسئله‌ای از مسائل پولی بیان شده، درباره این نوع پول بوده است؛ زیرا پول رایج در شبه جزیره عربستان و حجاز آن روز دینار طلا و درهم نقره بود.

۲. پول‌های کاغذی نیابتی

پول‌های کاغذی نیابتی، سند موجودی طلا و نقره واقعی هستند و معامله با این برگه‌ها معامله با طلا و نقره واقعی است؛ بنابراین ماهیت و جنس این پول همان طلا و نقره حقیقی هستند و این کاغذها هر کدام سند و نماینده بخشی از موجودی طلا هستند.

۳. پول‌های کاغذی با تعهد بازپرداخت

شهید صدر^{علیه السلام} این نوع پول را به دو صورت تصویر می‌کند: الف) تعهد منبع صادرکننده این برگه‌ها مبنی بر پرداخت ارزش طلای آن، مجرد التزامی است که مستقل از آن منبع بوده و این برگه‌ها به جهت اعتبار آن منبع و وفای به تعهدش، ارزش مالی پیدا می‌کنند. ب) تعهد منبع صادرکننده این برگه‌ها مبنی بر پرداخت ارزش طلای آن، معنایش اشتغال ذمه آن منبع به اندازه ارزش طلای این برگه‌ها است. در این صورت این برگه‌ها فقط سند و وثیقه آن بدهی هستند و ارزش اصلتی ندارند (صدر، ۱۹۹۴م، ص ۱۴۶-۱۴۹). وی باور دارد فرق بین این دو صورت فراوان است زیرا براساس صورت دوم هرگاه خریدار به وسیله این برگه‌ها کالایی یا خدمتی را بخرد، در حقیقت به وسیله این برگه‌ها نخریده بلکه به وسیله دینی که در ذمه منبع صادرکننده مالک است، خرید را انجام داده است و این برگه‌ها فقط سند آن دین هستند (همان). در این صورت معامله با این برگه‌ها معامله با ارزش طلای این برگه‌ها است؛ از این رو در معامله‌های صرف لازم است بین ثمن و مثن تساوی برقرار باشد اما در صورت نخست، خرید و فروش به وسیله نفس این اوراق انجام می‌شود، نه به وسیله دینی که آن را مالک است. در این صورت معامله با این برگه‌ها معامله با طلا نیست و احکام صرف مانند تساوی ثمن و مثن در اینجا واجب نیست. تحلیل جدید تا اینجا با تحلیل شهید صدر^{علیه السلام} از ماهیت این نوع پول‌ها موافق و یکسان است. تمایز اساسی این دو تحلیل در نوع چهارم پول ظاهر شده و گسترش می‌یابد.

۴. پول‌های کاغذی معاف از پرداخت ارزش طلای مکتوب بر آنها

پس از رواج طلا و نقره در بین جوامع گوناگون، شاهد رواج وسیله دیگری به نام رسید پول تمام‌عیار و اسکناس‌هایی با صددرصد تعهد بازپرداخت طلا و نقره مکتوب بر روی این رسیدها و اسکناس‌ها بودیم. در اینکه آن اسکناس‌ها سند شمرده می‌شدند نه خود پول،

اختلاف نظری در بین اندیشه‌وران اسلامی نیست (صدر، ۱۹۹۰م، ص ۱۴۹/ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴، ص ۳۸). با رواج این رسیده‌ها مردم به تدریج به قابلیت تبدیل آن توجه نداشته و به صورت مستقل به عنوان وسیله مبادله به آن نگاه می‌کردند. تحلیل اینکه مردم چگونه رسید پول تمام‌عیار را به عنوان پول پذیرفته و کارهای پولی خود را با آن انجام می‌دادند، می‌تواند برای شناخت ماهیت اسکناس و پول الکترونیکی و سکه دیجیتال^{*} (Bitcoin) مهم و مؤثر باشد. یک تحلیل این است که چون غرض مردم از پول خرید لباس، سوارشدن بر اتوبوس و تأمین مخارج عائله است، به این مسئله کاری ندارند که این اسکناس پشتوانه طلا دارد یا نه. آنها می‌خواهند با پول نیازمندی‌هایشان را برطرف سازند. به گفته ساموئلسون معنای حقیقی و ذات اصلی پول را پول کاغذی به خوبی نشان می‌دهد (ساموئلسون، ۱۹۶۱م، ج ۱، ص ۹۰). به باور وی، پول به علت پول‌بودن مورد تقاضاست نه برای کالا بودن؛ نه به علت خودش بلکه به علت آنچه می‌تواند بخرد. ما نمی‌خواهیم خود پول را به طور مستقیم مصرف کنیم. ما آن را مصرف می‌کنیم، به این معنا که خود را از دست آن خلاص می‌کنیم (همان). رمون بار باور دارد که پول در تقسیم‌بندی کالاهای اقتصادی مقام دیگری دارد. پول کالای مبادله است و کالای مصرفی نیست. به نظر وی کالای مصرفی این هدف را دارد که احتیاج را به صورت قطعی برآورده سازد؛ در نتیجه نابود شود، برعکس پول به مدت طولانی در جریان مصرف باقی می‌ماند (بار، [بی‌تا]، ص ۳۱۵).

با این بیان‌ها می‌توان گفت غرض عرف از پول، برآورده شدن نیازمندی‌های پولی است؛ یعنی چیزی باشد که بتوان با آن ارزش تمام کالاها و خدمات را بیان کرد و در ازای کالا و

*. بیت کوین، نوعی پول دیجیتال بر پایه شبکه همتا به همتا، امضای دیجیتال و اثبات دانایی صفر است و به کاربران امکان می‌دهد که بدون هیچ واسطه‌ای انتقال پول غیرقابل بازگشت انجام دهند. بیت کوین امکان پرداخت‌های بسیار کم‌هزینه را فراهم می‌کند. شبکه بیت کوین سامانه کنترل‌کننده متمرکز ندارد و به وسیله هیچ ارگان یا نهاد دولتی اداره نمی‌شود. پیش از ابداع بیت کوین، نظام‌های مالی آنلاین برای امنیت به سامانه کنترل‌کننده مرکزی احتیاج داشتند. بیت کوین به نسبت پروژه‌ای جدید و به شدت تحت توسعه است. به همین علت توسعه‌دهندگان آن به کاربران توصیه می‌کنند که به آن به عنوان نرم‌افزار آزمایشی نگاه کنند (روزنامه دنیای اقتصاد، ۹۰/۵/۱، ش ۲۴۱۳، ص ۲۸).

خدمتی که ارائه می‌دهند، چیزی دریافت کنند که همگان آن را در ازای کالاها و خدمات مورد نیاز وی می‌پذیرند. نیز بتوانند مدتی آن را نگه دارند تا در آینده به مبادله پردازند. از این رو هر چیزی که بتواند به شکل بهتری این وظیفه‌ها را به انجام رساند، بیشتر مورد اقبال مردم واقع می‌شود. از اینجا بود که مردم وقتی دیدند می‌توانند با رسید پول همان کارهایی را انجام بدهند که با طلا و نقره مسکوک انجام می‌دادند، دیگر کاری به طلا و نقره نداشتند زیرا غرضشان از طلا و نقره مسکوک، خوردن و مصرف کردن آنها نبود، نیاز پولی‌شان با رسید هم انجام می‌شد. بانکداران از همین ویژگی و اینکه مردم همزمان برای تبدیل به بانک مراجعه نمی‌کنند، استفاده کرده و رسیدهایی صادر کردند که بیش از ذخیره‌های صندوق‌ها بود؛ زیرا می‌دیدند مردم به تصور اینکه این رسیدهها پشتش سکه است همان کاری را انجام می‌دادند که اگر سکه واقعی در دستشان بود. چون غرض مردم از پول، خوردن یا آشامیدن یا هرگونه استفاده کالایی نیست؛ بنابراین با تصور وجود سکه همان کاری را می‌توان انجام داد که با سکه واقعی انجام می‌شود.

پس از این مرحله دولت‌ها به علت تأمین هزینه‌های نظامی و تأمین مالی کسر بودجه، راحت‌ترین راه برای کسب درآمد را در استفاده از انتشار پول اضافی به صورت اسکناس بدون تضمین پرداخت طلا و نقره آن دیدند (فریدمن، ۱۳۵۷، ص ۲۹). آنها به تدریج فهمیدند به علت ویژگی خاص پول که پیش از این به آن اشاره شد، می‌توانند قابلیت تبدیل را کاهش داده و سرانجام قطع کنند و هیچ مشکلی در امر پولی پیش نیاید. این امر باعث شد اسکناس که تا پیش از این فقط رسید طلا و نقره بود، خود به طور مستقل پول شود و عرف نگرش استقلالی به آن داشته باشد.

در نظام پولی جدید که طلا و نقره‌ای لازم نیست در خزانه باشد یا اگر هست رابطه‌اش با اسکناس قطع شده و اسکناس مستقل از طلا و نقره همان کار طلا و نقره مسکوک را انجام می‌دهد. پرسشی که باید پاسخ داده شود این است که آیا اسکناس اصالت پیدا کرده و خود پول است؟ یا صورت دیگری قابل تحلیل است؟

یکی از اشکال‌های مهم و مبنایی طرفداران نظریه قدرت خرید در پاسخ به پرسش پیشین این است که حقیقت پول را در حقیقت اسکناس جست‌وجو می‌کنند. به باور اینها اسکناس عبارت است از چیزی که در آن به وسیله مرجعی معتبر، به صورت قدرت خرید،

اعتبار مالیت و ارزش شده است و تمام حقیقت و هویت اسکناس، عبارت است از قدرت بر خرید و قدرت و توانایی بر رفع احتیاجات (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۸-۱۱۰). طرفداران این نظریه با فرض اینکه اسکناس اصالت پیدا کرده و خود پول است، به این نتیجه رسیدند که اسکناس چیزی جز قدرت خرید نیست؛ زیرا جنس آن که کاغذ باشد قیمت و مصرف قابل اعتنائی ندارد و بر این اساس به نتیجه‌هایی رسیدند که برخی از اشکال‌هایش پیش از این طرح شد.

اما اگر به حقایقی مانند قوانین پولی کشورها و دیگر واقعیت‌های پولی، عرفی و شرعی نگاه دقیق‌تری بیندازیم، می‌بینیم می‌توانیم رویکرد تحلیلی دیگر و کامل‌تری از ماهیت پول کنونی داشته باشیم که ضمن اینکه جامع تمام حقایق نظریه‌های پیشین است، اشکال‌های وارد بر آن نظریه‌ها را نداشته، در تبیین حقایق موجود پولی، عرفی و شرعی قدرت توضیح‌دهندگی بالاتری داشته باشد. این رویکرد تحلیلی می‌گوید براساس قوانین موجود پولی که پول در آنها تعریف و اعتبار شده می‌توان برای دوره کنونی و دوره آینده ماهیت پول را به شرح ذیل تحلیل کرد.

دوره کنونی: ریال، دلار و پوند ارزش‌گذاری شده براساس ارزش مال دیگر

با تحلیل قوانین موجود پولی کشورها می‌توان مشاهده کرد که ابتدا قانون، واحد پول را نام‌گذاری می‌کند سپس با در نظر داشتن قدرت خرید معینی، ارزش آن را براساس ارزش مقدار معینی از مالی دیگر که آن مقدار قدرت خرید داشته و نزد همگان شناخته شده است یا براساس پول دیگر که ارزشش نزد همگان معلوم است، ارزش‌گذاری می‌کند.

به‌عنوان نمونه صورت نخست، قانون پولی و بانکی ایران مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ ابتدا مقرر کرده که واحد پول ایران ریال است. آنگاه در بند ب ماده ۱، ریال را که واحد پول ایران است به این صورت تعریف کرده است «یک ریال برابر یکصد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم (۰/۰۱۰۸۰۵۵) گرم طلای خالص است» و در بند الف ماده ۲ آمده «پول رایج کشور به صورت اسکناس و سکه‌های فلزی قابل انتشار است». معنای این تعریف که در قوانین پولی و بانکی دیگر کشورها نیز واحد پول به همین شکل تعریف شده، این است که اگر قرار باشد پول به صورت سکه مضروب طلا در جریان باشد یعنی «وسیله مبادله» هم خود طلا باشد، مقدار

طلای این سکه‌ها یا عیار آنها این مقدار خاص است؛ اما اکنون که سکه‌ای با این عیار ضرب نمی‌شود معنایش این است که همین ریال‌های مکتوب روی اسکناس ارزشش برابر با ارزش همان سکه‌ها با همان عیار است. به‌عنوان نمونه صورت دوم، قانون پولی آفریقای جنوبی (Reserve Bank, Act South African, 1989, p.90) را مثال می‌زنیم که در آن ارزش رند (Rand) براساس ارزش پوند تعریف شده است که البته ارزش پوند در قانون پولی کشور انگلیس براساس طلا تعیین شده است. بقیه کشورها هم به همین دو صورت است.*

با تحلیل این قوانین می‌توان مشاهده کرد که در مرحله نخست، قانون جعل ذات کرده است اما به‌صورت نامعین. در مرحله دوم، قانون با جعل به این ذات، مالیت اولیه معین داده است. در مرحله سوم آن را پول قانونی در گردش قرار داده است. در مرحله چهارم با انتشار خارجی هنگامی که در برابر تولید ملی قرار می‌گیرد ارزش ثانویه‌اش که نسبی و متغیر است پدیدار می‌شود. حالا این پول مالی است مانند تمام اموال دیگر با این تفاوت که ذات مال در پول‌های کنونی ماهیت اعتباری دارد نه فیزیکی. این مال، مخلوق جدیدی است بدون ماهیت فیزیکی که با اعتبار و جعل قانون و پذیرش مردم وجود پیدا می‌کند و ارزش آن پس از انتشار خارجی به ظرفیت تولید ملی، اعتماد مردم، ثبات سیاسی و وفای حاکمیت به تعهدش در حفظ نسبی ارزش اولیه پول براساس معیار وابسته است. در نظام کنونی پول، قانون افزون بر تعیین نوع پول، ذات و ماهیت آن را هم خودش با اعتبار خلق کرده و امر کرده با همین ریال‌ها و دلارهای مکتوب و ذخیره‌شده به‌صورت دیجیتالی که عین غیرفیزیکی هستند، معامله کنند.

تحلیل ماهیت پول کنونی

واسطه مبادله یا پول در گردش دیگر از جنس سکه مسکوک طلا و نقره نیست بلکه «نفس ریال، دلار و پوند مکتوب روی اسکناس یا ثبت‌شده در حساب جاری یا ذخیره‌شده به‌صورت الکترونیکی که ارزشی برابر با سکه مسکوک دارد» پول در گردش است. این پول

*. قوانین پولی که تا سال ۲۰۱۳ میلادی و سال ۱۳۹۲ هجری شمسی تدوین یافته‌اند، واحد پول را به همین دو صورتی که در اینجا گفته‌ایم، تعریف کرده‌اند.

در حقیقت فرد ادعایی واقعیت خارجی سکه طلا است که اعتبار قانون آن را بی‌ماده فیزیکی خلق کرده و به آن ارزش داده است.

یکی از مستندهای ما برای این تحلیل کلام شهید مطهری علیه السلام است. وی می‌گوید:

در فلسفه در جای خود ثابت شده است که تمام اعتبارات سرانجام به‌گونه‌ای به حقایق مربوط می‌شوند و امور اعتباری که کپی و به اصطلاح فرد ادعایی واقعیات هستند، به‌گونه‌ای باید سرچشمه واقعی داشته باشند و گرنه ذهن بشر ابتدا به ساکن و به‌صورت ابداع مطلق، قدرت جعل هیچ اعتباری را ندارد (مطهری، ۱۴۰۳ق، ص ۴۶-۴۷).

مستند دیگر ما کلام دیگر شهید مطهری علیه السلام است که می‌نویسد:

جعل تألیفی فقط در موردی متصور است که آن مورد، اتصاف شیء به یک امر عرضی ممکن‌الانفکاک باشد، در امور غیرقابل انفکاک خواه خارج از ذات و خواه غیرخارج از ذات، جعل متصور نیست؛ بنابراین، جعل ذات برای ذات معنا ندارد یعنی معنا ندارد که ما مثلاً انسان را انسان قرار بدهیم زیرا انسان بالضروره انسان است و نیز چهار را نمی‌شود زوج کرد اما می‌شود به‌طور جعل تألیفی چوب را که راست نیست، راست کرد و یا انسان را آموزش داد یا جسم را حرارت داد یا حرکت (همان).

بنابراین می‌توان گفت که اگرچه در جهان اعتبار هستیم، در عین حال باید مطابق عالم تکوینیات که ابتدا باید جوهری باشد تا بعد بتوان برای آن عرض قابل انفکاک را جعل کرد. در اینجا که جوهری تکوینی وجود ندارد، قانون ابتدا جوهری ادعایی را در نظر گرفت و اعتبار کرد سپس مقدار ارزش مبادله‌ای آن را براساس ارزش مقدار معینی از مالی دیگر که ارزشش نزد همگان معلوم است، تعیین کرد.

ویژگی‌های این تحلیل از ماهیت پول

۱. پول، ارزش اولیه خودش را با جعل قانون به‌دست آورده است نه از کالابودن. ۲. این پول ماهیت فیزیکی ندارد، ماهیت اعتباری دارد. ۳. براساس این تحلیل هم ذات این مال اعتباری است و هم مالیت اولیه آن. به این ترتیب قانون با قرارداد و اعتبار مال جدیدی خلق کرده است که ارزشی برابر با ارزش سکه طلا دارد اما سکه طلا نیست؛ از این‌رو عنوان این تحلیل را «مال اعتباری» در نظر گرفتیم. ۴. آنگاه برای انتشار خارجی این پول، قانون حجم مورد نیاز آن را برای گردش اقتصاد و پوشش معامله‌ها محاسبه کرده و برای راحتی مردم در قالب اسکناس‌هایی با ارزش‌های اسمی متفاوت مکتوب کرده یا اینکه می‌تواند در حساب‌های بانکی

ثبت و به صورت دیجیتالی ذخیره کند. ۵. پس از اینکه این مال اعتباری با انتشار حضور خارجی پیدا کرد، ارزش ثانویه‌ای در برابر تولید ملی پیدا کرده و مانند تمام اموال دیگر ارزش مبادله‌ای‌اش در اثر کم‌یابی یا پربابی تغییر می‌کند. ۶. ارزش این پول هیچ ارتباطی با طلا ندارد؛ زیرا مال جدیدی است که مخلوق قانون است. پشتوانه ارزش آن تولید ملی، اعتماد مردم، پایداری قدرت و حاکمیت سیاسی و وفاداری دولت به حفظ ارزش پول براساس معیار است.

برخورد دولت و مردم با این پول

اکنون که «وسیله مبادله» ریال مکتوب روی اسکناس و ثبت شده در حساب جاری و ذخیره شده در بیت‌های دیجیتالی است و دیگر سکه‌های طلا یا خزانه‌ای پر از طلا و جواهرات و ارز خارجی و دیگر دارایی‌ها به عنوان پشتوانه در کار نیست، هیچ فرقی به حال مردم نکرده است. مردم با این ریال‌های مکتوب و دیجیتالی همان کاری را انجام می‌دهند که با سکه‌های مضروب طلا و نقره انجام می‌دادند. دولت‌ها هم به علت درک این واقعیت توانستند قابلیت تبدیل را کاهش داده و سرانجام قطع کنند.

برای پول قراردادی، سه طرف قرارداد قابل تصور است: الف) قراردادکننده؛ ب) قراردادشونده؛ ج) موضوع قرارداد. قراردادکننده، دولت و قانون است. قراردادشونده مردم و اجتماع هستند. موضوع قرارداد پذیرفتن ریال مکتوب و دیجیتالی به جای ریال مضروب است زیرا همان کار ریال مضروب را می‌کند و به دولت در حفظ ارزش پول براساس معیارش که در قانون پولی آورده اعتماد کنیم. با پذیرش اجباری* مردم و امضای ضمنی قرارداد، گشایش عظیمی در اقتصاد پدید آمد و پدیده تولید انبوه و رشد و شکوفایی اقتصاد امکان‌پذیر شد اما طمع دولت‌ها و بحران‌های اقتصادی نگذاشت دولت‌ها به تمام مفاد قرارداد درباره پول پایبند باشند؛ بنابراین اصل پای‌بندی** را هر یک از دولت‌ها بدون استثنا هر یک به گونه‌ای و با توجیهی زیرپا گذاشتند و پدیده تورم و آثار منفی آن را برای ملت‌هایشان به ارمغان آورند.

*. در تاریخ پول می‌توان مشاهده کرد که مردم به ناچار آن را پذیرفتند؛ زیرا به دولت‌ها اعتماد نداشتند. برخی کشورها تا همین اواخر هم مقاومت می‌کردند و فقط سکه را پول می‌دانستند.
 **. براساس اصل پای‌بندی دولت‌ها متعهد هستند ارزش پول را براساس معیارش که در تعریف واحد پول می‌آید حفظ کنند.

جایگاه اسکناس، حساب جاری و بیت‌های دیجیتالی در این تحلیل

اسکناس پیش‌تر سند پول بود، اکنون هم در نظر مردم و هم از حیث قانونی عنوان پول بر آن اطلاق می‌شود اما از نگاه کارشناسانه باید گفت ریال‌های مکتوب بر آن پول است. تا پیش از این حواله و رسید پول بود، اکنون ظرف اعتباری است که ریال غیرفیزیکی روی آن ثبت شده است. در دورانی که ریال، دلار و پوند به صورت سکه طلا و نقره بودند آنها را درون کیسه‌هایی قرار می‌دادند. کیسه‌ها را در اندازه‌های گوناگون می‌دوختند و در هر یک از آنها تعداد معینی سکه قرار می‌دادند. نوعاً هر یک از کیسه‌ها معلوم بود که چه تعداد سکه در آن جا می‌گیرد. اکنون که ریال، دلار و پوند ذات غیرفیزیکی هستند دیگر نیازی به آن کیسه‌ها نیست زیرا این پول جسم فیزیکی ندارد، ذات اعتباری دارد. این ذات اعتباری را دیگر نمی‌توان داخل کیسه ریخت بلکه می‌توان آن را در جایی ثبت کرد. یکی از جاهایی که تاکنون ریال‌هایی که باید منتشر شود، روی آن ثبت می‌شود اسکناس است. در این صورت، اسکناس ظرف پول است نه خود پول. در حقیقت، ریال، دلار و پوندی که روی آن ثبت می‌باشد، پول است. همان‌گونه که در علم معانی و بیان به علت علاقه‌هایی که بین اشیا وجود دارد نام یکی بر دیگری اطلاق می‌شود، در اینجا هم به علت همان علاقه ظرف و مظروف عنوان مظروف که پول است بر ظرف اطلاق می‌شود و به اسکناس، حساب جاری و کارت پلاستیکی هم پول می‌گویند. اسکناس وسیله پرداخت هم است. تسهیلاتی مانند شماره‌گذاری، طراحی خاص و انتخاب کاغذ ویژه برای جلوگیری از تقلب است و نیز برای اینکه نشان دهد این پول از طرف دولت منتشر شده و سندی حکومتی است. حساب جاری و کارت پلاستیکی (E_CASH) ظرف‌ها و جاهای دیگری هستند که پول در آنها ثبت می‌شود. پرداخت پول از حساب جاری به وسیله چک و کارت‌های دارای حافظه الکترونیکی که با عناوین Credit Card و Charg Card و Debit Card شناخته می‌شود، صورت می‌گیرد. به علت همین ماهیت غیرفیزیکی پول است که پول الکترونیکی* می‌تواند جایگزین تمام پول‌های گذشته شود و به دنبال خودش بانکداری الکترونیکی و تجارت الکترونیکی را به ارمغان آورده و اقتصاد تولید انبوه را به پیش ببرد.

*. شاید بتوان گفت پول اکنون یک data است و برای همین قابلیت انتقال الکترونیکی پیدا کرده است. برخلاف کالا که چون فیزیکی است باید حمل شود تا در دسترس مصرف‌کننده قرار گیرد.

پول آینده: پول اعتباری محض*

براساس تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول می‌توان این دوره را این‌گونه تحلیل کرد که در آن، ارزش واحد پول براساس ارزش مال با ارزش دیگر تعریف نمی‌شود؛ بلکه ارزش مبادله‌ای و قدرت خرید واحد پول به‌طور مستقیم برای آن جعل و اعتبار می‌شود. به این صورت که ابتدا ذاتی نامعین به‌عنوان واحد پول در نظر گرفته شده، نام‌گذاری می‌شود به‌طور مثال کوثر، آنگاه قانون تعیین می‌کند که این واحد پول چه مقدار از سبد کالاها و خدمات را بخرد. سرانجام با توجه به حجم تولید ملی واقعی و قیمت‌گذاری آن براساس واحد پولی جدید و با توجه به سرعت گردش پول، مقدار و حجم پول در گردش تعیین می‌شود.

در این صورت هم، قانون جعل مال کرده است نه جعل مالیت صرف. مالیت و قدرت خرید پول در اینجا نیز تبعی است. در اینجا می‌توان بین آن قدرت خریدی که با تعریف قانون وصف لازم ذات شده و بدون تعریف مجدد قانون یا عملکرد حاکمیت قابل تغییر نیست و بین قدرت خریدی که به‌علت حضور و انتشار خارجی این پول در اثر کم‌یابی برایش پیدا می‌شود، تفکیک کرد: «ماهیت و جنس این پول، ذات اعتباری محض است». مخلوق جدیدی است که قانون آن را پدید آورده و برایش نامی هم انتخاب می‌کند.

منبع ارزش پول‌های کنونی

براساس تحلیل مال اعتباری، ارزش مبادله‌ای ریال یا پول‌های کنونی از دو منبع سرچشمه می‌گیرد: الف) منبع قانون و حاکمیت است که ارزش اولیه را با تعریف واحد پول به آن می‌دهد. ب) کم‌یابی نسبی‌اش در برابر تولید ملی است که ارزش ثانویه را با حضور و انتشار خارجی از آنجا کسب می‌کند. هرچه تولید ملی افزایش داشته باشد ارزش این پول بیشتر می‌شود و اگر کاهش داشته باشد ارزش این پول کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر پشتوانه این پول تولید ملی، قدرت حاکمیت، وفای به تعهدش و اعتماد مردم است. به گفته ساموئلسون این امر که اشخاص نمی‌توانند پول را به میل خود به مقدارهای نامحدود پدید آورند باعث کم‌یابی آن می‌شود (ساموئلسون، ۱۹۶۱م، ص ۹۱). به‌علت همین محدودیت

*. حضور پول دیجیتالی بیت کوین (Bitcoin) می‌تواند شاهی قوی برای امکان پدید آمدن این پول باشد.

عرضه است که پول‌های جدید ارزش دارند؛ یعنی می‌توان صرف‌نظر از طلا و نقره یا هر پشتوانه دیگری با آنها خرید و فروش کرد. در هر حال کیفیت و ماهیت پول در عصر حاضر این‌گونه است. منبع ارزش پول آینده هم به همین شکل است.

مقوم مثلث در تحلیل مال اعتباری

براساس این تحلیل، عنوان‌های ریال، دلار و پوند همچنان عناوین مشیر هستند؛ باید دید مشار الیه اینها چیست؟ مثلث را باید در مشارالیه اینها جست‌وجو کرد. همان‌گونه که در پول‌های قدیم مثلث در مشارالیه درهم و دینار جست‌وجو می‌شد؛ بنابراین مقوم مثلث در پول‌های کنونی نه قدرت خرید است و نه ارزش اسمی بلکه مقوم مثلث حفظ برابری ارزش واحد پول با ارزش مقیاس اعتبار شده از طرف دولت‌هاست که مشارالیه ریال، دلار و پوند بوده و در تعریف‌های قوانین پولی کشورها آمده است. دولت‌ها با عملکرد مناسب و اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب براساس اصل پای‌بندی می‌توانند به این مهم دست یابند زیرا پول‌های کنونی هم از جهت «واحد محاسبه ارزش» بودن و هم از جهت وسیله مبادله بودن اعتباری است؛ پس مثلث آن هم اعتباری است زیرا اجزای مثلث اعتباری دارد. یک اسکناس هزار ریالی یعنی کاغذی که دولت به سبب قانون هزار تا یک ریال را که ارزش آن براساس ارزش مقدار خاصی از مالی دیگر تعریف و اعتبار شده بر روی آن قرار داده است. این هزار ریال تمام‌شان از نظر قدرت خرید یکسان هستند. قوام و بقای مثلث در اجزای این پول وابسته به حفظ اعتبار و عملکرد* اعتبارکننده است. اگر برای پول افراد عرضی و طولی در نظر بگیریم. می‌توان گفت که افراد عرضی پول** همه مثلثی هستند و افراد طولی آن ممکن است بر اثر تغییر اعتبار اعتبارکننده یا عملکرد وی از مثلث با افراد پیشین خارج شوند. اگر اعتبار یا عملکرد تغییر نکند افراد طولی هم مثلثی باقی می‌مانند؛ البته شایان ذکر است که طولیت و عرضیت مقوم مثلث پول نیستند اما از آنجا که تغییر مثلث پول کنونی در طول زمان رخ می‌دهد، تغییر مثلث با طولیت و عرضیت همراه شده

* منظور از عملکرد، کیفیت اعمال سیاست‌های پولی و مالی گوناگون است.

** منظور از افراد عرضی ریال، تمام ریال‌هایی که در یک برهه زمانی خاص به‌طور مثال امروز موجود هستند و منظور از افراد طولی؛ یعنی تمام ریال‌های امروز در مقایسه با تمام ریال‌های یک برهه زمانی دیگر در آینده یا در گذشته.

است. مؤید تحلیل ما می‌تواند نوشته آیت‌الله آصفی باشد که می‌گوید: «مانعی ندارد که افراد عرضی یک مال مثلی باشند و افراد طولی آن قیمی» (آصفی، ۱۳۷۵، ص ۲۲). وی باور دارد: می‌توان افراد طولی پول را در صورتی که زمان به نسبت طولانی و اختلاف ارزش (قدرت خرید) آن فاحش باشد و از نظر عرف قابل اغماض نباشد، قیمی شمرد، گرچه افراد عرضی آن مثلی باشد؛ البته این در صورتی است که اختلاف ارزش در دو زمان گوناگون در بازار قابل اغماض نباشد و گرنه مثلی است؛ بنابراین فقیهان اگر پول را از مقوله مثلیات می‌دانند، نظر آنها یا باید به افراد عرضی پول باشد یا به افراد طولی آن در صورتی که اختلاف فاحش نداشته باشند (همان).

وجه تمایز اصلی این نظریه با نظریه‌های دیگر

اصلی‌ترین وجه تمایز این نظریه با نظریه فلزی در این است که نظریه فلزی، پول را در قالب کالا دیده است اما برای پول‌های مخلوق قانون توضیحی ندارد؛ در حالی که نظریه مال اعتباری ضمن تفسیر پول فیزیکی گذشته، پول کنونی را از قالب کالا رها دانسته است؛ زیرا در این تحلیل، پول کنونی ارزش اولیه خودش را نه از کالا بودن بلکه از قانون به‌دست آورده است. تمایز اساسی این نظریه با نظریه چارتالیزم در این است که نظریه چارتالیزم با اینکه توانست رها بودن پول را از قالب فیزیکی ببیند و بگوید ماهیت و ذات پولی پول رایج تحت قدرت منتشرکننده باقی می‌ماند نه تحت ارزش ذاتی ماده‌ای که از آن ساخته می‌شود اما نتوانست پاسخ اثباتی و حلی به این پرسش که «ماهیت این پول چیست؟» بدهد؛ در حالی که نظریه مال اعتباری پاسخ حلی و اثباتی به آن داد.

وجه تمایز اصلی نظریه مال اعتباری با نظریه قدرت خرید در این است که نظریه قدرت خرید با وجود اینکه پول کنونی را با اعتبار قانون مرتبط کرده است اما بخش اعتباری و تمام هستی آن را فقط در مالیت و قدرت خرید دیده است؛ در حالی که براساس تحلیل جدید هم ذات مال اعتباری است و هم مالیت آن.

اما وجه تمایز اصلی نظریه مال اعتباری با نظریه ارزش اسمی در این است که ماهیت مال در نظریه مال اعتباری قابل شناسایی است و در نظریه ارزش اسمی غیرقابل شناسایی. براساس دو تحلیل مالیت اعتباری و ارزش اسمی به حکم اولی دولت حق دارد به هر شکل که صلاح می‌داند پول منتشر کند بدون اینکه ضامن کاهش قدرت خرید باشد اما از آنجا که این کار با مجموع مصالح نظام سازگار نیست، حق انتشار بی‌قید و شرط پول به دولت داده نمی‌شود. افزون

بر اینکه نتیجه این دو تحلیل در ضمان کاهش ارزش پول افراط و تفریط است. نظریه قدرت خرید به طور افراطی تمام کاهش ارزش پول را قابل جبران می‌داند و نظریه ارزش اسمی به طور تفریطی هیچ قسمت از کاهش ارزش پول را قابل جبران نمی‌داند اما بر اساس تحلیل مال اعتباری از ماهیت پول حفظ ارزش پول به عنوان هدف اصلی سیاست‌های پولی بر اساس این نظریه به حکم اولی قابل اثبات است. این اثبات آثار فراوانی بر جا می‌گذارد؛ از جمله اینکه بحث نهاد تعیین‌کننده هدف‌های سیاست‌های پولی در نظام اقتصادی اسلام و تعیین سطح استقلال بانک مرکزی و تعیین جایگاه نهاد دولت در این جهت که اثر مهمی در ضابطه‌مند کردن سیاست‌های پولی دارند، به طور مبنایی پشتوانه قانونی پیدا می‌کند. افزون بر اینکه این نظریه مطلق‌گرا نیست. نه مانند نظریه قدرت خرید به طور مطلق جبران کاهش ارزش پول را می‌پذیرد و نه مانند نظریه ارزش اسمی به طور مطلق این جبران را رد می‌کند بلکه با توانایی‌اش در تفکیک عوامل تورم بحث جبران محدود یا عدم جبران یا مصالحه را قابل طرح می‌داند؛ البته موضوع بحث مقاله پیش‌رو نیست و در مقاله‌های دیگر به آن پرداخته خواهد شد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در تاریخ تحول‌ها و تکاملی پول به مرحله‌ای رسیدیم که اسکناس که تا پیش از این رسید و حواله پول طلا و نقره بود، عرف نگرش استقلالی به آن پیدا کرد و در ادامه با پیشرفت فناوری به نسخه الکترونیکی و دیجیتالی اسکناس و سکه رسیدیم که بی‌ماده فیزیکی محض هستند؛ بنابراین این پرسش اساسی پیش آمد که پول کنونی از حیث ماهیت و حقیقت چیست؟ در جهت پاسخ به این پرسش و در مرور بر ادبیات موضوع چهار نظریه اصلی قابل تفکیک است: الف) نظریه فلزی یا نظریه پول کالایی؛ ب) نظریه چارتالیزم؛ ج) نظریه قدرت خرید؛ د) نظریه ارزش اسمی. گرچه هر یک از تحلیل‌های ماهیت پول می‌توانند تعدادی از حقیقت‌های موجود درباره پول را توضیح دهند اما از آنجا که مفروضات اساسی این تحلیل‌ها قابل جرح و تعدیل است و به علت پنهان‌ماندن بخش‌هایی از حقیقت‌های پولی در تحلیل‌ها اینها، هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها به تنهایی نمی‌تواند رضایت کامل را فراهم آورند؛ در نتیجه لزوم ارائه تحلیلی جدید درباره ماهیت پول که بتواند توضیح‌دهنده کامل‌تری باشد، امری گریزناپذیر است. در رویکرد اصلی مقاله پیش‌رو پول از هر نوع، چه از نوع کالایی و کاغذی و چه از نوع الکترونیکی و از هر حیث، چه از حیث واحد سنجش ارزش و چه از حیث ذاتی که واسطه مبادله قرار می‌گیرد، مراتبی از اعتبار دارد. فرضیه اساسی مقاله درباره پول‌های

کنونی این است که پول‌های کنونی تمام مراتب اعتباری است. موجود غیرفیزیکی و تازه‌ای است که قانون ابتدا ذات آن را به صورت نامعین با اعتبار پدید می‌آورد، آنگاه ارزش مبادله‌ای اولیه‌اش را برابر ارزش مقدار خاصی از مالی دیگر که ارزشش نزد همه شناخته شده است، تعریف کرده سپس آن را پول در گردش قرار داده و منتشر می‌کند؛ از این‌رو عنوان این تحلیل را «مال اعتباری» در نظر گرفتیم. به خلاف نظریه مالیت اعتباری که در ماهیت آن فقط مالیت را می‌بیند و به خلاف نظریه ارزش اسمی که ذات مالی در نظر می‌گیرد اما حقیقت این ذات مبهم است. نظریه مال اعتباری ضمن پوشش نظریه‌های دیگر از ایرادها وارد بر آنها میراست و نتیجه‌های خاص خودش را دارد. از نتیجه‌ها و ویژگی‌های این تحلیل آن است که همه پول‌ها را با تحلیل واحد توضیح می‌دهد. براساس تحلیل جدید هم ذات این مال اعتباری است و هم مالیت اولیه آن. ضمن اینکه این نظریه با تفکیک و نمایاندن ذات مال، دو مالیت اولیه و ثانویه را در پول کنونی تشخیص داده است با این فرق که مالیت ثانویه، نسبی، طبیعی و متغیر است؛ از این‌رو می‌تواند عواملی را که باعث نقص در این مال می‌شوند و چگونگی این نقص، ضمان و جبران کاهش ارزش و نیز عوامل نقص در مالیت را به خوبی نشان دهد.

منابع و مأخذ

۱. آصفی، محمدمهدی؛ «پول و پرسش‌های جدید فقهی»؛ مجله فقه اهل بیت (ع)، س ۲، ش ۷، ۱۳۷۵.
۲. بار، رمون؛ اقتصاد سیاسی؛ ترجمه دکتر منوچهر فرهنگ؛ تهران: سروش، ۱۳۶۷.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، قانون پولی و بانکی کشور (مصوب ۱۳۵۱).
۴. توسلی، محمداسماعیل؛ «بررسی و نقد نظریات برخی از اندیشمندان اسلامی درباره ماهیت پول»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۱۹، ۱۳۸۴.
۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ پول در اقتصاد اسلامی؛ تهران: سمت، ۱۳۷۴.
۶. ساموئلسن، پل؛ اقتصاد؛ ترجمه دکتر حسین پیرنیا؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
۷. صدر، سیدمحمدباقر؛ اقتصادنا؛ مشهد: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۵۷.
۸. _____؛ الاسلام يقود الحياه؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۸۲.
۹. _____؛ البنک اللاریوی فی الاسلام؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۹۰م.

۱۰. ضیایی، منوچهر؛ مجموعه قوانین پولی و بانکی و سایر قوانین مربوطه از سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۷۰؛ تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۲.
۱۱. فریدمن، میلتن؛ اقتصاد مکتب پولی؛ ترجمه مهدی تقوی و حسن مدرکیان؛ تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۵.
۱۲. مطهری، مرتضی؛ بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی؛ تهران: حکمت، ۱۴۰۳.ق.
۱۳. _____؛ مجموعه آثار شهید مطهری علیه السلام؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۱.
۱۴. موسوی بجنوردی، سیدمحمد؛ «نظرخواهی از فقها پیرامون مسائل فقهی و حقوقی ناشی از کاهش ارزش پول»؛ مجله رهنمون، ش ۶، ۱۳۷۲.
۱۵. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ «احکام فقهی کاهش ارزش پول»؛ مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ش ۲، ۱۳۷۴.
۱۶. یوسفی، احمدعلی؛ ماهیت پول؛ قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۷.
17. Bofinger, P; **Monetary Policy: Goals, institutions, strategies and instruments**; Oxford university press. Oxford, 2001.
18. Keynes, J. M; **Treatise on money**; Macmillan, London, 1971.
19. Knopp, G. F; **the state theory of money**; Macmillan, London, 1924.
20. Masgrave, R; **chartalism – and why money has value**; Durham, UK, 2009, [http //:charta. Blogspot. Com](http://:charta.Blogspot.Com).
21. Menger, K; “on the origin of money”; **Economic Jornal**, 2, 1892.
22. Mosler ,w; **Soft currency Economics**; [http: //moslereconomics .com / mandatory – readings, soft – currency – economics](http://moslereconomics.com/mandatory-readings,soft-currency-economics), 2010.
23. Ingham, G; **Babylonian mad ness: On the Historical and Sociological origins of money, In: John smithim (2000)**; what is money? Routledg, London and New York, 2000.
24. Ingham, G; “the nature of money”; **policy press**, Cambridge, 2004.
25. Rossi, Sergio; **Money and Payments in theory and practice**; Routledge, London and New York, 2007.
26. South African Reserve Bank, Act 90 of 1989.
27. Schumpeter, J. A; **History of Economic Analysis**; Routledge, London and New York, 1994.